

مطالعه بازنمایی شیطان در نگاره‌های داستان آدم(ع) و حوا

زهره طباطبایی جبلی^۱، رویا عزیزی^۲

^۱استادیار، گروه هنر اسلامی، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
^۲مربی، گروه هنر اسلامی، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
 (تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۳/۶، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۹/۴)

چکیده

از میان قصص قرآن قصه حضرت آدم از جمله داستان‌هایی است که در دوره‌های مختلف نگارگری به آن پرداخته شده است. در بازنمایی این قصه توسط نگارگران شخصیت‌ها و عناصری چون حضرت آدم و حوا، فرشتگان، شیطان، مار، طاووس و باغ تصویر شده است. در این میان شیطان به‌عنوان یکی از شخصیت‌های مهم این داستان با صورت‌های متفاوتی چون: پیرمرد، فرشته‌ای با صورتی تیره، دیو و مار به تصویر درآمده است. بر همین اساس هدف تحقیق پیش رو تبیین بازنمایی‌های گوناگون از شیطان و یافتن ریشه‌های آن در متون است و در پی پاسخ به این پرسش است که چرا شیطان با صورت‌های متفاوت در نگاره‌ها ترسیم شده و ریشه‌ی این تفاوت‌ها به چه متون و یا تصاویری بازمی‌گردد. بر همین اساس با روش تاریخی-توصیفی و رویکرد تطبیقی به بررسی رابطه متون مختلف دینی و ادبی در رابطه با شیطان و ارتباط آن با بازنمایی‌های متفاوت این شخصیت پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که صورت‌های متفاوت از شیطان ریشه در متون کهن و ادیان قبل از اسلام دارد و برخی از آن‌ها براساس تفاسیر قرآن و متون عرفانی و یا دیدگاه برخی از عرفا نسبت به شیطان تصویر شده است.

واژه‌های کلیدی

نگارگری، شیطان، آدم(ع)، حوا.

^۱ نویسنده‌ی مسئول: تلفن: ۰۹۱۳۱۸۶۴۳۴۰، نمابر: ۰۳۱-۳۶۲۸۸۳۸۹، E-mail: z.tabatabaei@au.ac.ir

مقدمه

قصص قرآن کریم و تصویرسازی آن یکی از موضوعات نگارگران در ادوار مختلف هنر ایرانی بوده و از این میان قصه حضرت آدم (ع) چه در لحظه خلقت و سجده ملائکه و یا رانده شدن از بهشت در دوره‌های مختلف توسط نگارگران بازنمایی شده است. این قصه از قصه‌هایی است که به نوعی در تمام ادیان حتی ادیان غیرسامی با عنوان آفرینش انسان نخستین مورد توجه بوده و دارای شخصیت‌های خاصی است. حضور شخصیت‌های متفاوت در نگاره‌ها چون مار، طاووس، فرشته و شیطان نشان از این موضوع است که این داستان دارای وجوه نمادین خاصی است و نیاز به بررسی و تحلیل دارد. یکی از این شخصیت‌ها، شیطان است. شیطان از موجوداتی است که در نظام‌های دینی از قدیم تا ادیان سامی مطرح بوده و به عنوان موجود اهریمنی و مضر و دشمن انسان گاه وجود عینی و گاه به عنوان نیروی مرموز و غیر

عینی شناخته می‌شده است. در اسلام بر اساس روایات و تفاسیر شیطان می‌تواند وجود عینی داشته باشد. بر همین مبنا شیطان در نگاره‌ها به صورت‌های گوناگونی چون: مار، پیرمرد، فرشته و دیو و یا همراه با حیوان خاصی به عنوان یاریگر چون مار و طاووس به تصویر کشیده شده و مخاطب را به این چالش می‌کشاند که این بازنمایی‌های متفاوت از شیطان در نگاره‌ها ریشه در چه متون و تصاویری دارد؟ بر همین اساس تحقیق پیشرو باهدف تبیین تصویر شیطان در نگاره‌های داستان حضرت آدم همچنین تحلیل این تصویر در متون مختلف است و در پی پاسخ به این پرسش است که ریشه این شخصیت و بازنمایی متفاوت شیطان در نگاره‌های داستان حضرت آدم چیست و رابطه این تصویر با متون مقدس، قرآن کریم، ادبیات عرفانی و تفاسیر چگونه است؟

انجام نشده است.

روش تحقیق

تحقیق پیش رو با روش توصیفی- تاریخی و با رویکرد تطبیقی به بررسی بازنمایی شیطان در نگاره‌های داستان حضرت آدم (ع) می‌پردازد. بر این اساس در ابتدا به بررسی متون ادبی، کتب مقدس، قرآن کریم و تفاسیر که به نوعی تصویر شیطان را شرح داده‌اند می‌پردازد و در ادامه بازنمایی‌های متفاوت شیطان را که در نگاره‌ها توسط نگارگر به تصویر درآمده بر مبنای متون مختلف تحلیل می‌نماید.

پیشینه تحقیق

تحقیقات بسیاری چه به صورت مقاله و چه پایان‌نامه در زمینه‌ی نگاره‌های داستان حضرت آدم (ع) و حوا انجام شده مانند؛ مقاله‌ای با عنوان «زیباشناسی نگاره‌های داستان حضرت آدم (ع)» که به بررسی تطبیقی محتوای داستان براساس کتب تفسیری و قصص و با تأکید بر عناصر زیبایی‌شناسی انجام گرفته است (احمد پناه، ۱۳۸۷) و یا مقاله با عنوان «نمونه آثار نگارگری اسلامی از روایت آدم و حوا» که به بررسی نگاره‌ها از نظر ترکیب و نوع شخصیت‌ها پرداخته است (معمارزاده، ۱۳۸۹). همچنین پایان‌نامه با عنوان «صورت و معنا در نگارگری حضرت آدم و حوا (ع)» به تحلیل نگارگری درزمینه‌ی عناصر صوری اثر و عبور از این عناصر و رسیدن به معنا پرداخته و بیان می‌دارد که در این تصاویر نگارگر جلوه‌ی مادی خط و رنگ را پنهان نموده و آن را به معنا نزدیک‌تر ساخته است (ذاکر هرخته، ۱۳۹۲). پایان‌نامه‌ای با عنوان «حکایت آدم (ع) و حوا از منظر نگارگری اسلامی (با تأکید بر قصص الأنبیاء)» به شناخت عناصر و مؤلفه‌های تصویری این نگاره‌ها و استفاده از آن در تصویرسازی معاصر پرداخته است (جواهری، ۱۳۹۲). تحقیقات دیگری نیز در حوزه ادبیات و دین به بررسی داستان حضرت آدم (ع) در کتب مقدس و تفاوت‌های آن‌ها صورت گرفته است؛ اما تحقیقی در زمینه بازنمایی‌های متفاوت شیطان در نگاره‌ها و تطبیق آن‌ها با متون دینی، ادبی و عرفانی و ریشه‌یابی این تصویر

۱- واژه‌شناسی شیطان

در ایران اسلامی واژه‌های اهریمن، شیطان، ابلیس و دیو در فرهنگ عامه و در متون ادبی و حتی در تفاسیر قرآن کریم در قرن‌های نخست اسلامی مترادف یکدیگر به کار می‌رفته است. اهریمن و شیطان یا ابلیس شباهت‌ها و اشتراکاتی باهم دارند و آن این است که هر دو باعث فساد انسان می‌شوند. این شباهت باعث شده تا در دو فرهنگ پیش از اسلام و پس از اسلام با تعابیر و شیوه‌های متفاوت در متون فارسی بازتاب پیدا کند (مزدآپور و سلیمی، ۱۳۹۰، ۱۴۳). به همین دلیل در این تحقیق به واژه‌شناسی ابلیس و شیطان و رابطه آن با واژه‌های اهریمن و دیو پرداخته می‌شود.

۱-۱- ابلیس

ابلیس از کلمه «دیاپلس»^۱ یونانی است اما در عرب ریشه «ابلاس» به معنی نومید کردن است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۷۷). ابلیس بعد از سجده نکردن به آدم مورد لعنت خدا قرار گرفت و زشت و کریه و اعور و ازرق (یک چشم و نیلگون) می‌شود و در عربی «حارث» و در برخی کتب لغت‌نامه‌ها، با القاب دیگری از قبیل شیطان، عزازیل، خناس، یوخلاف، ابومره، بومره، شیخ نجدی، ابولبینی، دیو و مهتر دیوان خوانده می‌شود (یاحقی، ۱۳۸۶، ۷۸). برخی از مفسرین بر این اعتقادند که ابلیس از ملائکه است و این موضوع را به استناد آیه ۳۴ سوره بقره که می‌فرماید همه سجده نمودند به جز ابلیس، بیان می‌نمایند و برخی وی را از جنس جن می‌دانند و دلیل آن هم آن است که ابلیس دارای فرزند و از جنس آتش است؛ اما ملائکه فرزندی ندارند و از جنس نور هستند. همچنین در قرآن کریم در آیه ۱۲ سوره اعراف و آیه ۵۰ سوره کهف به صراحت شیطان را از جنس جن خوانده شده است.

۱-۲- شیطان

نماد اهریمن است (اکبری مفاخر، ۱۳۸۵، ۹۵-۹۶).

۱-۴- دیو

واژه دیو در اوستا «دئو» و هندی باستان «دیوا» به معنی خدا خوانده می‌شود. این واژه برای برخی از خدایان آریائی استفاده می‌شده اما در متون اوستایی بعدی معنای منفی گرفته و برای نیروی شر بکار رفته است (یا حقی، ۱۳۸۶، ۳۷۱). در تفاسیر قرآن کریم در قرن‌های نخست اسلامی و در نخستین آثار ادب فارسی شیطان و ابلیس به دیو ترجمه می‌شد؛ مانند متون فارسی قرن چهارم تا هفتم هجری که دیو مترادف با شیطان و ابلیس به کار رفته است. برای مثال: در تفسیر طبری آمده: «یا فرزندان آدم، نه فتنه کند شمارا دیو، چنان‌که بیرون کرد مادر و پدر شمارا از بهشت» (طبری، ۱۳۵۶، ۴۹۹) و یا در کشف‌الاسرار میبیدی «انما النجوى مِنَ الشَّيْطَانِ» را به راز کردن دیو (به معنی نجوای منفی که انسان با خود می‌کند و در قرآن این نجوا به نجوایی که با شیطان می‌شود، تعبیر شده است) ترجمه نموده است (میبیدی، ۱۳۶۱، ۳).

۲- نقش شیطان در داستان آدم و حوا از دیدگاه کتب مقدس

در اینجا مختصری درباره شیطان و نقش وی در داستان آدم و حوا در کتب مقدس تورات، انجیل و قرآن کریم شرح داده می‌شود.

۲-۱- تورات و انجیل

در سفر پیدایش خداوند آدم را در باغ عدن گذاشت تا در آن کار کند و از آن نگهداری نماید و به او گفت: «از همه میوه درختان باغ بخور، به جز میوه درخت شناخت نیک و بد، زیرا اگر از میوه‌ی آن بخوری، مطمئن باش که خواهی مرد» (توراه، باب ۲، ۱۵-۱۷) پس از خلقت آدم و همسرش، مار که از همه‌ی حیوانات مکارتر بود به زن گفت: آیا خداوند گفته است از هیچ درخت این نخورید؟ زن گفت: ما اجازه داریم از میوه‌های همه درختان این باغ بخوریم، ولی خداوند گفته از میوه‌ی درختی که در میان این باغ است نخوریم... مار به زن گفت: حتماً نخواهید مرد... زن از میوه آن گرفت و خورد و به شوهرش هم داد پس عریان شدند و خداوند به زن گفت این چه کاری است که کردی؟ زن گفت مار فریبم داد. پس خداوند به مار گفت چون این کار را کردی در میان تمام چهارپایان و در میان تمام حیوانات وحشی صحرا ملعونی. بر شکمت راه خواهی رفت و تمام زندگی خاک خواهی خورد» (توراه، باب ۳، ۱-۱۴). در سفر پیدایش آدم، حوا و مار هر سه مجازات شدند و از باغ عدن اخراج گردیدند. در انجیل نیز همانند تورات حضرت آدم (ع) توسط حوا فریب داده می‌شود «... شیطان با شنیدن سخنان فوق، از مار که نگهبان بهشت بود خواست اجازه دهد وارد آنجا شود. پس به‌جا آورد مار آن وقت آن کار را. شیطان را نهاد به پهلوی حوا زیرا جفتش به خواب بود. پس شیطان دگرگون شد برای آن زن به‌صورت فرشته‌ای خوش‌رویی و گفت او را: چه جهت دارد که نمی‌خورد از این سیب و گندم؟...» (انجیل برنابا، فصل ۴۰، آیات ۱-۷).

۲-۲- قرآن کریم و تفاسیر

واژه شیطان نام دیگر ابلیس و از «شطن» به معنای دور بودن از چیزی، چاه عمیق و یا از «شاط» به معنای از خشم و غضب سوختن گرفته شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳، ۳۲۶). در واژه‌نامه و شعر کهن عربی، شیطان به معنی مار آمده و در عربستان قدیم یکی از توت‌های سامی است و اعراب مار را با دیوها و غول‌ها مرتبط می‌دانستند (Jeffery, 1983: 188-190). در فرهنگ عربی شیطان به معنای طناب، مار باریک و سبک و مار تاجدار و یا هر موجود شرور گفته می‌شود (ابن فارس، ۲۰۰۸، ۵۰۳). در آیه ۶۵ سوره صافات «طَلَعَهَا كَأَنَّه رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ» آمده که شکوفه‌ها و میوه‌های آن درخت دوزخی مانند کله‌های شیطان است. در تفسیر این آیه برخی معتقدند که شیطان در اینجا مارهای هولناک است. در محیط عربستان مارهای زشت‌صورت و تاجداری که در تنه درخت حماط لانه داشتند را شیطان می‌نامیدند. همچنین در اشعار عرب به زانی که همسران خود را آزار می‌دادند شیطان می‌گویند (طبرسی، ۱۳۸۷، ۱۵).

۱-۳- اهریمن

اهریمن^۲ نیروی شر و به‌عنوان منشأ بدی‌هاست. در گات‌ها این واژه به معنی دشمن بدخواه و گوهر پلیدی معرفی شده است. در تمام روایات اهریمن به تباہ‌ساختن جهان می‌پردازد و یارانی به نام «دئو» یا دیو دارد. در ادب فارسی اهریمن به جای ابلیس و در برابر فرشتگان نشان داده می‌شود (یا حقی، ۱۳۸۶، ۱۷۵-۱۷۷). در آیین زردشت و مانوی اهریمن منشأ شر و نابودگر نیکی است و به‌صورت مار، مگس، چلپاسه و مرد جوان جلوه می‌کند. در متون متأخر زردشتی صورت مادی برای اهریمن تصویر نشده و تنها در وجود انسان و جانوران حلول می‌کند (Hinnells, 1973, 54). در میان آثار پهلوی بن دهمش فصل ۳ بند یازده، ورود اهریمن به دنیا را به‌صورت مار بیان می‌کند. (کریستین سن، ۱۳۸۳، ۹۶). ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه اهریمن را با چهره‌ای شبیه به پیرمرد توصیف می‌کند که «مشی» و «مشبانه» را فریب می‌دهد تا از میوه درخت بخورند (بیرونی، ۱۳۸۶، ۱۴۲). در آیین زروانی اهریمن به‌عنوان نیروی شر بر نیروی خیر برتری داشته و این آغاز پرستش اهریمن بوده و وجود آیین قربانی برای اهریمن در آیین مهرپرستی نیز تأییدی بر پرستش اهریمن بوده است. امروزه نشانه‌های پرستش اهریمن را در فرقه «یزیدیه» می‌توان دید. مردیان این فرقه را ایزدیان می‌نامند و اگرچه به خدای واحد ایمان دارند اما از شیطان می‌ترسند و در برابر خدا شکرگزار و در برابر شیطان فروتن و مهربان هستند. نماد شیطان در این فرقه طاووس است و «عزازیل» یا همان شیطان را ملک طاووس می‌خوانند و معتقدند که شیطان اولین موجود پیش از همه آفریدگان است و خود را به شکل طاووس نشان می‌دهد. ریشه این موضوع به آیین مهرپرستی بازمی‌گردد که در آن برای اینکه مردمان از فساد و آسیب دیوان و اهریمنان در امان باشند برای آنان قربانی می‌کردند. اهریمن برای آنان منبع قدرت و ثروت بوده است. اهریمن توانایی خلق موجودات نیک را دارد اما نمی‌خواهد چنین کاری کند و برای اینکه این توانایی را نشان دهد طاووس را می‌آفریند. از اینجا می‌توان به این نکته پی برد که طاووس

۳- شیطان در عرفان و ادبیات

در اسلام درباره شیطان دو نگرش یکی مثبت و یکی منفی مطرح می‌شود، البته در قرآن کریم در آیه ۹۸ سوره نحل به صراحت مؤمنان را از شیطان بر حذر دانسته اما برخی از عرفا تفسیر دیگری دارند و بر این عقیده‌اند که شیطان موجودی است که خدا آفریده و وظیفه خاصی بر عهده وی گذاشته است. برخی پا را فراتر گذاشته و از شیطان دفاع کرده‌اند (قنبری، ۱۳۸۷، ۲۵-۲۶). حلاج از نخستین کسانی است که از ابلیس دفاع کرده و پس از او دفاع از ابلیس در میان صوفیه رایج شده است. وی معتقد است که ابلیس باید بر آدم سجده نمی‌کرد و نافرمانی پیشه می‌کرد؛ زیرا خواست و اراده‌ی ازلی چنین بود و اراده خداوند بر عصیان ابلیس بود. تا زمان حلاج هیچ‌کس شیطان را موجودی مظلوم و مجبور تصور نمی‌کرد، ولی حلاج وی را مخلوقی عاشق معرفی نمود و دلیل وی برای سجده نکردن به آدم را نشانه‌ی عصیان ندانسته بلکه این موضوع را خواست و اراده خداوند دانست (حسینی کازرونی و متوسلی، ۱۳۹۰، ۷۹-۸۰). غزالی ابلیس را عاشقی استوار می‌داند و عین القضاات همدانی نیز تأکید دارد که ابلیس هیچ تقصیری ندارد بلکه خدا مأموریت ضلالت را به عهده وی گذاشته است. همچنین در بین شاعران، سنایی غزنوی نیز بر همین اعتقاد است و غزلی را در دفاع از ابلیس سروده است:

با او دلم به مهر و مودت یگانه بود سیمرغ عشق را دل من آشیانه بود
بر درگهم ز جمع فرشته سپاه بود عرش مجید، جاه مرا آستانه بود
در راه من نهاد، نهان دام مکر خویش آدم میان حلقه‌ی این دام دانه بود
می‌خواست تا نشانه‌ی لعنت کند مرا کرد آنچه خواست، آدم خاکی بهانه بود
بودم معلم ملکوت اندر آسمان امید من به خلد برین جاودانه بود
هفت صد هزار سال به طاعت بیوادم وز طاعتم هزار هزاران خزانه بود
در لوح خوانده‌ام که یکی لعنتی شود بودم گمان به هر کس و بر خود
گمان نه بود

آدم ز خاک بود و من از نور پاک او گفتم یگانه من بودم و او یگانه بود
گفتند مالکان که نکردی تو سجده‌ای چون کردمی؟! که با منش این در
میانه بود (سنایی غزنوی، ۱۳۸۵، ۳۹۵)

۴- بازنمایی شیطان در نگاره‌های آدم و حوا

شیطان در نگاره‌ها با صورت‌های متفاوتی بازنمایی شده و گاهی در کنار شیطان موجودی به‌عنوان یاریگر وی تصویر شده است. این صورت‌ها به‌نوعی با متون ادبی، دینی و حتی اسطوره‌ها در ارتباط است به همین منظور در ادامه به بازنمایی‌های متفاوت شیطان و ارتباط شیطان با موجوداتی که یاریگر آن هستند، پرداخته می‌شود.

۴-۱- شیطان در رابطه با مار

مار هم مورد پرستش و هم مورد نفرت و وحشت بوده است. این جانور به دلیل پوست انداختن این اندیشه را قوت می‌بخشد که دائماً در حال تجدید حیات است و به همین دلیل نامیراست. در برخی از تمدن‌ها مار و حیات با یک لغت شناخته می‌شود؛ مانند عرب که به مار «حیه» و به زندگی «حیاه» و «الحی» به

خداوند در سوره بقره آیات ۳۰ تا ۳۴ به این موضوع می‌پردازد که پس از خلقت آدم (ع) و دمیدن روح در وی به فرشتگان دستور می‌دهد تا بر وی سجده کنند و همه فرشتگان به‌جز ابلیس بر حضرت آدم (ع) سجده می‌کنند. در قرآن کریم پس از خلقت همسر آدم (ع)، خداوند به آنان می‌فرماید که در بهشت ساکن شوند و از میوه هر درختی میل کنید اما درختی را نشان می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که به آن نزدیک نشوند و دچار وسوسه‌های شیطان نگردند؛ اما شیطان آدم (ع) را وسوسه می‌کند و به او می‌گوید: «ای آدم آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید و ملکی بی‌زوال راهنمایی کنم» (طه، ۱۲۰). در تفسیر طبری، محمد بن جریر طبری از وهب بن منبه (از دانشمندان یهودی گرویده به اسلام) نقل کرده است: «پس چون خلق آدم تمام شد خداوند فرشتگان را که با ابلیس در زمین بودند فرمود: سجده کنید مر آدم (ع) را و فرشتگان جمله به فرمان حق تعالی سجده کردند مگر ابلیس که همچنان ایستاده بود (طبری، ۱۳۵۶، ۴۸). پس چون آدم به خفت و خواب بر وی غلبه کرد. پس چون ابلیس دانست که کار آدم بهشت اندر نیکوست به حيله کار آدم در ایستاد تا مگر او را از بهشت بیرون کند. هر چه کرد به هیچ حيله به بهشت اندر نتوانست شدن از بیم رضوانان که خازنان بهشت بودند... ابلیس گرد بهشت می‌گردید و نگاه همی کرد. چون نگه کرد ماری بیرون آمد از بهشت و این مار هر بار چهارپای داشت همچون چهارپای اشتر و ابلیس آن مار را گفت که من آدم را نصیحتی خواهم کرد سخت نیکو و مرا پیش او راه نمی‌دهند باید که تو مرا پیش آدم بری تا من این نصیحت او را بگویم و او تو را بسیار سپاس‌داری کند پس آن مار مر ابلیس را به دهان خویش اندر جای کرد و ابلیس اندر دهان مار رفت و مار او را پنهان رضوان در بهشت برد و آنجا بنشانند و چشم ابلیس بر طاووس افتاد. ابلیس از آن طاووس بپرسید که: آن درخت کدام ست که خدای عزوجل آدم را گفت از آن نخور؟ طاووس آن درخت گندم او را بنمود و گفت: این است» (طبری، ۱۳۵۶، ۵۱-۵۲). در سایر تفاسیر اهل سنت نیز مانند سیوطی، ثعلبی و تفسیر لباب تأویل نیز مانند تفسیر طبری عامل خروج آدم از بهشت را زن و مار می‌دانند. در اینجا می‌توان رسوخ اندیشه‌هایی دینی از فرهنگ‌های دیگر را در تفاسیر قرآنی مشاهده نمود.

اسطوره آفرینش به شکل‌های مختلف در ادیان تغییر شکل می‌یابد و گاهی توسط راویان یهودی نقل می‌شود که بانام «اسرائیلیات» مشهور هستند. البته لازم به ذکر است که اسطوره آفرینش و شخصیت‌های آن سابقه‌ای در ادیان قبل از ادیان سامی دارد. این اسطوره پیش از ثبت در کتاب مقدس قوم یهود در میان اقوام سومری، اکدی و بابلی رواج داشته و یهودیان در بابل با این قصه آشنا شدند بودند و تصرفاتی در آن انجام دادند و این قصه به‌واسطه یهودیان مهاجر در عربستان رواج یافته است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۳۱). یکی از تفاوت‌های داستان فریب آدم در قرآن کریم و تورات و انجیل عامل فریب آدم یعنی شیطان است که در قرآن کریم ابلیس و وسوسه‌های وی است اما در تورات و انجیل شیطانی است که به‌صورت مار درمی‌آید و یا از مار کمک می‌گیرد.

که آن را نجات دهد برای همین گیلگمش مار را می‌کشد و مرغ به کوهستان و لیلیط به بیابان می‌گریزد (بلان، ۱۳۸۴، ۱۴۷-۱۴۸) و یا جایی دیگر بیان می‌شود که «اومنا پیشتی» (پیرمرد حکیم) گیلگمش را در چشمه آبی شست و گیاهی به او هدیه داد که جوانی را به او باز پس داد؛ اما زمانی که گیلگمش از چشمه‌ای آب می‌نوشید ماری آن گیاه را دزدید و با خوردن آن پوست انداخت (گرمال، ۱۳۸۱، ۴۲). در قرون وسطی نیز دوزخ را به صورت افعی تصویر می‌کردند همچنین تصویری از مریم مقدس در حال لگدکوب کردن سر مار موجود است و یا در توصیف مکاشفات یوحنا فصل دوازدهم به این جمله برخورد می‌کنیم که: «پس آن اژدهای بزرگ از آسمان به زیر افکنده شد، آن مار قدیمی که تمام جهان را گمراه می‌کند و نامش ابلیس و شیطان است...» (دوبوکو، ۱۳۸۷، ۶۲-۶۳). در برخی از نگاره‌های خروج آدم (ع) و حوا از بهشت، شیطان به صورت مار در کنار طاووس تصویر شده و نشانگر رابطه شیطان با این موجود است (تصویر ۲).

اینکه مار در ابتدا نماد الهه‌ها بوده و بعدها در داستان آفرینش شیطان است به این موضوع بازمی‌گردد که داستان هبوط در کتاب مقدس یک داستان تاریخی است و به اسطوره‌ها و داستان‌های کهن بازمی‌گردد. مردم کنعان در ابتدا «الهه» داشته و نماد آن مار بوده است اما با آمدن عبرانی‌ها به سرزمینشان و اینکه آنان متمایل به خدای مذکر بودند، «الهه» را نفی کردند و به عبارتی دیگر در داستان هبوط نوعی طرد تاریخی الهه مادر نهفته است و نشانگر عبور از مرحله مادر سالاری و پرستش الهه مادر به سوی پدرسالاری است (کمبل، ۱۳۸۶، ۸۰). در روایات نیز گاهی تصویری که از شیطان نشان داده می‌شود با صورت مار است. شیطان اصولاً بر پیامبران با چهره‌های مختلف ظاهر شده است. برای مثال خداوند جایگاه شیطان را به حضرت عیسی نشان داد و ایشان شیطان را با سر مار دیدند (کامرانیان، ۱۳۸۷، ۱۸۵). مطالب ذکر شده نشانگر آن است که بازنمایی شیطان به صورت مار (تصویر ۲) و یا تصویر کردن مار در کنار شیطان به عنوان

معنای زندگی‌بخش می‌گوید (دوبوکو، ۱۳۸۷، ۵۱). در تمدن‌های پیش از تاریخ پیکره بسیاری از ایزد بانوان با ماری دور بدن و یا دستانشان به نمایش گذاشته شده است. در آیین مهر، مار جانوری متعلق به اهریمن نیست و نشانه مهر است؛ اما در روایات دوره اسلامی مانند تفسیر طبری که گاهی از فرهنگ یهودی سرچشمه گرفته، مار حیوانی زیبا و چهارپا مانند شتر بوده و خزانه‌دار بهشت، اما چون با ابلیس در اغوای آدم همکاری می‌کند از بهشت اخراج می‌شود و پاهایش را از آن می‌گیرند (طبری، ۱۳۵۶، ۵۱-۵۲). در برخی از نگاره‌ها با موضوع خروج از بهشت، مار به عنوان یاریگر شیطان شبیه اژدها و با چهارپا تصویر شده و به نظر می‌رسد این نوع بازنمایی برگرفته از این تفسیر است (تصویر ۱). همان‌طور که در تعریف واژه شیطان گفته شده این واژه در عرب به نوعی مار اطلاق می‌شود. همچنین در میان آثار پهلوی بن دهش ورود اهریمن به دنیا به شکل ماری بیان شده است. در داستان‌های اساطیری نیز مار موجودی است که زندگی جاوید را از انسان می‌رباید. برای مثال: در منظومه گیلگمش و انکیدو و دوزخ اشاره به داستانی می‌شود که بی‌شبهت به داستان هبوط آدم نیست. داستان از این قرار است که درخت «هولوپو» درخت زندگی و محور جهان در اثر وزش باد ریشه‌کن شده و بر روی آب شناور شده بود. «اینانا» آن را از آب می‌گیرد و در باغ مقدس می‌کارد. درخت در باغ می‌روید و ده سال تنومند می‌شود و اینانا تصمیم می‌گیرد که از آن تخت شاهی بسازد. می‌بیند که مار بر ریشه‌هایش پیچیده و مرغ «ایمدوگود» (مرغ طوفان) در بالای درخت لانه کرده و «لیلیط» (دیو مادینه) در تنه‌اش مسکن گزیده است. مار، لیلیط و مرغ طوفان هر سه نیروی مرگ هستند که سلطه اینانا را بر سه مرتبه از جهان از بین بردند. مار در بسیاری از قصه‌ها مانع دسترسی انسان به زندگی جاودان شده و پرنده هم در کابوس انکیدو او را با خود به برزخ برد و لیلیط نیز زن اندوه و ماتم است که پیوند زناشویی را می‌گسلد و کودکان را در گهواره می‌کشد. بانوی آسمان از «گیلگمش» می‌خواهد



تصویر ۳- خروج آدم و حوا از بهشت، کتابخانه ملی جروسالن. مأخذ: <http://www.innovacampus.ugr.es>



تصویر ۲- خروج آدم و حوا از بهشت، قصص الانبیا، کتابخانه چستر بیوتی، دویلین. مأخذ: (Loukonine & Ivanov, 2010, 150)



تصویر ۱- آدم و حوا در حال خروج از بهشت، فالنامه، مکتب تبریز یا قزوین، گالری ساکر، واشینگتن. مأخذ: (Sims, 2000, 296)

و مشتاق بازگشت به بهشتی است که به گناه همدستی با مار از آنجا رانده شده است (پورنامداریان، ۱۳۸۵، ۷).

۴-۳ - شیطان با صورت پیرمرد

قرآن کریم در سوره کهف آیه ۵۰، شیطان را از جنس جن می‌داند. همچنین در سوره مریم آیه ۱۷ و سوره الذاریات آیه ۲۴، به تجسم و به صورت درآمدن جنیان و فرشتگان به شکل انسان پرداخته است. این موضوع نشانگر این مطلب است که شیطان نیز که از جنس جن است می‌تواند در ظاهر انسان نمایان شود. در شأن نزول آیه ۳۰ سوره انفال آمده است که گروهی از قریش و اشراف مکه جمع شدند و درباره خطری که از ناحیه پیامبر اکرم (ص) آن‌ها را تهدید می‌کرد، چاره‌ای بیندیشند و باهم مشورت کنند، در هنگام مشورت ابوجهل گفت: از هر قبیله‌ای جوانی شجاع انتخاب کرده و به دست هر یک شمشیر برنده‌ای می‌دهیم که دسته‌جمعی او را به قتل برسانند. در این هنگام شیطان که به صورت پیرمردی از اهل نجد در بین آن‌ها ظاهر شده بود، گفت: نظر این جوان، ابوجهل بهتر است، پس سریعاً اقدام به چنین کاری بنمایید (علامه طباطبایی، ۱۳۷۸، ۱۰۳). در روایتی از امام رضاع) از پدران گرامی خود، آمده است: روزی نزدیک کعبه نشسته بودم، ناگهان پیرمردی را دیدم گوشت که از شدت پیری ابروهای او بر روی چشمش افتاده، عصایی در دست، کلاه سرخی بر سر و لباس پشمینه‌ای بر تن، نزدیک پیغمبر اکرم (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول‌الله (ص)! دعا کن تا خداوند مرا بیمارزد. رسول خدا (ص) فرمودند: ای پیرمرد سعی و کوشش تو بی‌ثمر و



تصویر ۵- مشی و مشیانه، آثارالباقیه بیرونی.
مأخذ: (http://www.wikizero.com/en/Devil_Islam)



تصویر ۶- سجده فرشتگان بر آدم و حوا در بهشت، فالنامه، مکتب قزوین، گالری فریر، واشینگتن. مأخذ: (<http://www.freersackler.si.edu>)

همکار شیطان (تصویر ۳) ریشه در اسطوره‌های کهن دارد و چه در اسطوره گلگمیش و چه در روایات و کتب مقدس و حتی در معنای شیطان در زبان عربی، تصویر شیطان با این موجود رابطه تنگاتنگی دارد. نکته قابل تأمل در اینجا مثبت بودن معنی مار و رابطه آن با الهه‌هاست و در نهایت تبدیل به موجودی منفی شدن است که به نظر می‌رسد تغییر و چرخش معنای نمادین مار از مثبت به منفی به عبور از مرحله مادر سالاری به مرحله پدرسالاری مربوط است و به همین دلیل این نماد جایگزین نماد اهریمن و شیطان شده است.

۴-۲ - شیطان در رابطه با طاووس

یکی دیگر از جانورانی که همکار شیطان شناخته شده، طاووس است. معنای سمبلیک طاووس به معنی تزیینات، تجمل، تکبر، فناپذیری، غرور دنیوی و... است و در باورهای قومی و اساطیری نابودکننده مار است (دادور و منصور، ۱۳۸۵، ۱۱۴). در برخی از آیین‌های کهن یک جفت طاووس در دو سوی درخت مقدس قرار دارد که گاهی ماری را در منقار گرفته است. از معنای سمبلیک آن این‌طور می‌توان تعبیر نمود که این پرنده هم‌معنای منفی و هم‌معنای مثبت دارد. در ادیان سامی همان‌طور که در داستان آدم و حوا در تورات و انجیل بیان شد، طاووس یکی از موجوداتی است که به شیطان برای پیشبرد هدفش کمک می‌کند. در فرقه یزیدیه نیز طاووس نماد شیطان است (یاحقی، ۱۳۸۶، ۵۵۴). این موضوع که طاووس در این فرقه نماد شیطان است به داستان اهریمن در آیین مهرپرستی می‌رسد. در این آیین اهریمن برای اثبات اینکه می‌تواند چیزهای نیک بیافریند، طاووس را به‌عنوان یکی از زیباترین پرندگان می‌آفریند. بر همین اساس طاووس نماد اهریمن و شیطان است و در فرقه یزیدیه نیز از این پرنده برای نشان دادن شیطان استفاده می‌کنند (اکبری مفاخر، ۱۳۸۵، ۹۷). در نگاره‌ها نیز بر اساس آنچه در تفاسیر اولیه قرآن کریم آمده مانند تفسیر طبری که تحت تأثیر روایات یهودی بوده، نگارگر این حیوان را به‌عنوان همکار شیطان تصویر نموده است. در برخی از تعبیر عرفانی از داستان آدم و حوا طاووس را نماد شهوت و حوا را جسم می‌دانند (یاحقی، ۱۳۸۶، ۵۵۵). بر مبنای این تفسیر می‌توان این‌گونه استنباط نمود که (تصویر ۴) که حوا را سوار بر طاووس نشان داده نشانگر رابطه شهوت و جسم است. عطار در منطق‌الطیر، طاووس را مظهر بهشت پرستان می‌داند



تصویر ۴- بخشی از نگاره آدم و حوا در حال خروج از بهشت.

داستان‌ها، افسانه‌ها و اسطوره‌ها به‌عنوان یاریگر قهرمان در مراحل دشوار و نماد خرد، معنویات و ذکاوت است(گورین و همکاران، ۱۳۷۰، ۱۷۸). این‌گونه استنباط می‌شود که انتخاب چهره پیرمرد در برخی نگاره‌ها برگرفته از نگاه مثبت به شیطان باشد که یاریگر انسان است.

۴-۴- شیطان با صورت فرشته

در برخی از نگاره‌ها شیطان به‌صورت فرشته ترسیم شده(تصاویر ۱۰ و ۱۱)؛ اما نکته آن است که تفاوت وی با فرشتگان دیگر در صورت تیره و کبود آن است. به نظر می‌رسد این نوع بازنمایی شیطان به این دلیل است که در برخی روایات شیطان به‌عنوان یک ملک شناخته شده و برخی از مفسرین قرآن کریم شیطان را یکی از ملائکه می‌دانند. در (تصاویر ۱۰ و ۱۱) نیز نگارگر شیطان را به‌عنوان یک ملک با دو بال نشان داده است اما دلیل نیلگون یا تیره‌نمودن چهره و یا بدن شیطان نیز تفاسیری است که چهره ابلیس را بعد از سجده‌نکردن به آدم زشت و کریه و اعور و ازرق به معنای یک چشم یا چشمی کور و با صورتی نیلگون توصیف نموده‌اند(تصویر ۱۲). در قرآن در آیه ۱۰۲ سوره طه نیز به کلمه زرق اشاره شده و آن را کبود معنا نموده است. «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَ نَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا»(روزی که در صور دمیده شود و در آن روز گنه‌کاران را کور محشور کنیم) برخی مفسرین زرق را در این آیه به معنای چشمی که نابینا می‌شود و کبود

عمل و خواسته تو بی‌فایده است. پیرمرد از آنجا رفت و پیامبر(ص) فرمودند: یا ابوالحسن! اوشیطان لعین بود(کامرانیان، ۱۳۸۷، ۱۸۵). همچنین ابلیس با صورت مرد ظاهر می‌شود زیرا درباره جنسیت ابلیس، امام صادق(ع) فرمودند: ابلیس و فرزندان آن از نسل «مارج» و «مارجه» هستند و ابلیس با زنی به نام «لهیا» از طایفه جن ازدواج کرد(کامرانیان، ۱۳۸۹، ۲۵۹). بر اساس این روایت ابلیس مذکر است. همچنین بیرونی نیز در کتاب آثارالباقیه درباره افسانه کیومرث و مشی و مشیانه این‌گونه بیان می‌کند که مشی و مشیانه از خوراک و آشامیدنی بی نیاز بودند تا اینکه اهریمن به‌صورت پیرمردی در آمد و آنان را به خوردن میوه‌ها برانگیخت(بیرونی، ۱۳۸۶، ۱۴۲)(تصویر ۵). در (تصاویر ۷، ۸ و ۹) شیطان به‌صورت یک پیرمرد بازنمایی شده و یکی از دلایل آن می‌تواند روایاتی باشد که در بالا ذکر شده و تجسم شیطان به‌صورت پیرمرد شرح داده شده است. شاید بتوان یکی دیگر از دلایل انتخاب پیرمرد در تصاویر را مفهوم کهن‌الگوی پیر فرزانه دانست و آن را با دیدگاه عارفانی چون حلاج که برای شیطان جایگاه و مقام والا قائل‌اند هم‌داستان دانست، زیرا از دیدگاه این عرفا شیطان نه تنها کافر و یاغی نیست بلکه موحدی بزرگ و استادی است که قدرت اختیار را به انسان آموخت و عاشقی واقعی که عشق به معبود را باید از وی آموخت(حسینی کازرونی و توسلی، ۱۳۹۰، ۹۰). این نوع نگاه مثبت به شیطان می‌تواند آن را در مقام پیر فرزانه قرار دهد. پیر فرزانه یکی از کهن‌الگوهایی است که یونگ به آن اشاره دارد و در



تصویر ۹- بخشی از نگاره خروج آدم و حوا از بهشت.



تصویر ۸- بخشی از نگاره آدم و حوا در بهشت.



تصویر ۷- بخشی از نگاره آدم و حوا در حال خروج از بهشت.



تصویر ۱۲- بخشی از نگاره خروج آدم و حوا از بهشت



تصویر ۱۱- خروج آدم و حوا از بهشت، فالنامه، موزه توفایی سرا، استانبول. مأخذ: (<http://www.akg-images.de>)



تصویر ۱۰- سجده فرشتگان بر آدم، حبیب‌السیر، مجموعه کاخ گلستان. مأخذ: (<http://www.fotografia.islamoriente.com>)

وجود صورت دیوگونه برای ابلیس در نگاره‌ها به‌نوعی اشاره به مترادف‌گرفتن کلمه دیو برای شیطان و ابلیس است. در بسیاری از تفاسیر و متون ادبی دوران اولیه اسلام مانند تفسیر طبری و یا شاهنامه از واژه دیو برای ابلیس استفاده می‌کردند. در ادبیات فارسی در بسیاری از موارد دیوان موجوداتی زشت‌رو و شاخ‌دار هستند. همچنین در برخی نگاره‌ها دیوها دارای پوست تیره، دم و پاهایی

رنگ است تعبیر نموده‌اند. بعضی دیگر گفته‌اند: منظور از کبودی چشمان است و بدترین رنگ چشم نزد عرب چشمی است که رنگ آن متمایل به سبز باشد (علامه طباطبایی، ۱۳۷۸، ۲۳۴). در اینجا منظور از چشم کبود سبز متمایل به آبی است.

۴-۵- شیطان با صورت دیو



تصویر ۱۴- سجده فرشتگان بر آدم و شیطان در حال تماشا، تفسیر طبری، موزه توپقاپی سرا، استانبول. مأخذ: (Sims, 2000, 264)



تصویر ۱۳- بخشی از نگاره نبرد رستم و اکوان دیو، شاهنامه محمد جوکی. مأخذ: (Grabar, 2009, 105)

جدول ۱- تطبیق بازنمایی‌های شیطان با متون اساطیری، ادیان، تفاسیر و روایات و متون ادبی و عرفانی.

شیطان	تعریف لغوی	اساطیر	ادیان باستان	تورات و انجیل	قرآن	تفاسیر و روایات	متون عرفانی	تصاویر
شیطان در رابطه با مار	شیطان در فرهنگ عرب به معنای مار است	مانع رسیدن جاودانگی (در اسطوره گلگمش)	در آیین مهر و زرتشت نماد اهریمن (اهریمن به صورت مار به زمین حمله کرد)	در تورات شیطان به صورت مار نمایان می‌شود در انجیل مار یاریگر شیطان است		در تفسیر طبری یاریگر شیطان. در روایات آمده حضرت عیسی شیطان را با سر مار دید		
شیطان در رابطه با طاووس		نابودکننده مار	در آیین مهر نماد اهریمن (اهریمن طاووس را آفرید)			یاریگر شیطان	هم جنبه منفی و هم مثبت دارد. جایی نماد شهوت و جایی نماد بهشت	
شیطان به صورت پیرمرد		افسانه مشی و مشیانه و اهریمن که به صورت پیرمرد ظاهر شد				شیطان به صورت پیرمرد بر برخی از پیامبران ظاهر می‌شد		
شیطان به صورت فرشته						در برخی روایات شیطان را از جمله ملائک می‌دانند		
شیطان به صورت دیو	در برخی کتب واژه دیو یکی از القاب شیطان است	آفرینش دیوان توسط اهریمن	دیوان به‌عنوان همکاران اهریمن			در تفاسیر و متون ادبی اولیه ابلیس با عنوان دیو ترجمه می‌شد		

در جدول ۱ خلاصه‌ای از مطالب ذکر شده در رابطه با بازنمایی شیطان و رابطه آن با متون ارائه گردیده است. جدول نشانگر این موضوع است که نگارگر بیشتر بر مبنای متون قبل از اسلام و متون اولیه اسلام که تحت تأثیر ادیان قبل از اسلام بوده به بازنمایی شیطان می‌پردازد.

بزرگ و دارای پنجه هستند (تصویر ۱۳). در (تصویر ۱۴) شیطان شبیه دیو کار شده با این تفاوت که در این نگاره دارای بال است. به نظر می‌رسد نگارگر از سویی براساس اینکه شیطان از جنیان است و از سوی دیگر شیطان در بسیاری از متون ادبی به دیو ترجمه شده است، شیطان را با تلفیقی از دیوهای نگارگری و با اضافه کردن بال ترسیم نموده است.

نتیجه

داستان آدم و حوا از جمله داستان‌های نمادین قرآن کریم است و ریشه در تاریخ و بستر اسطوره‌ای دارد، به همین جهت شخصیت‌هایی که این داستان را شکل می‌دهد هر کدام نیاز به جستجو و تفحص در متون مختلف دینی، ادبی و عرفانی دارد. تحقیق پیش رو در میان این شخصیت‌ها در پی پاسخ به این پرسش بود که دلیل بازنمایی‌های متفاوت شخصیت شیطان در نگاره‌ها چیست؟ تحقیقات نشان داد که شیطان به صورت‌های متفاوتی چون دیو، پیرمرد و فرشته به تصویر کشیده شده و با جانورانی چون مار و طاووس در ارتباط بوده است. ارتباط شیطان با مار در یک بستر تاریخی و اسطوره‌ای شکل گرفته و این جانور از یک سو در اسطوره‌های بین‌النهرین حیات جاودانه را از انسان می‌رباید و از سوی دیگر نشانه الهه‌هاست؛ اما با عبور از مرحله مادر سالاری به پدرسالاری مار نقش منفی به خود می‌گیرد و در دین زرتشت اهریمن با نماد مار ظاهر می‌شود و بعد از آن در ادیان سامی نیز مار نشانه شیطان قلمداد می‌گردد. این نقش بامعنای واژه شیطان در زبان عرب نیز یکسان است. در واقع تصویر مار در کنار شیطان یا به‌عنوان شیطان در یک فرایند تاریخی اتفاق افتاده است. رابطه نقش طاووس و شیطان نیز از نماد خود پسندی و غرور و شهوتی است که طاووس در معنای نمادین خود دارد. همچنین نقش طاووس یکی از نشانه‌های مهم فرقه یزیدیه است و به‌عنوان نشانه شیطان مورد پرستش قرار می‌گرفته و این باور ریشه در آیین مهر و زروانی دارد.

که اهریمن را خالق طاووس می‌دانند. به همین دلیل این موجود در داستان آدم و حوا نقش یاریگر شیطان را دارد. شیطان با چهره پیرمرد از دیگر صورت‌های بازنمایی شیطان است و رابطه تنگاتنگی با روایات و شرحی که درباره چهره شیطان داده شد، دارد. این بازنمایی می‌تواند رابطه‌ای با مفهوم پیر خرد نیز داشته باشد؛ زیرا در نگاه برخی از عرفا شیطان عابد و موحد و استادی است که به انسان قدرت اختیار و عشق واقعی به خدا را آموزش می‌دهد و در این مقام وی می‌تواند به‌عنوان پیرمردی باصلاحت نشان داده شود. بازنمایی شیطان به‌صورت فرشته نیز براساس تفاسیری است که شیطان را از جنس ملائکه می‌دانستند. بازنمایی شیطان به‌صورت دیو نیز از یک سو به این دلیل بود که در تفاسیر مربوط به اوایل اسلام واژه شیطان و ابلیس به واژه دیو ترجمه می‌شد و از سوی دیگر رابطه دیو با اهریمن بود که در دین زرتشت اهریمن دیوان را آفرید و آن‌ها یاریگران وی بودند و به نظر می‌رسد نگارگر صورت دیو گونه برای شیطان را بر این مینا انتخاب کرده است. براساس جدول ۱ مشخص گردید که بازنمایی شیطان در نگاره‌ها بیشتر تحت تأثیر متون قبل از اسلام است و حتی تفاسیر اولیه قرآن نیز مانند تفسیر طبری تحت تأثیر تورات و به تبع آن تحت تأثیر متون قبل از تورات است و نگارگر بیشتر به این تفاسیر و روایات توجه داشته است.

پی‌نوشت‌ها

1. Satan
2. Devil
3. Daeva
4. Deva

۵. اسرائیلیات به مجموعه اخبار و قصه‌های یهودی و نصرانی گفته می‌شود که بعد از ورود جمعی از یهودیان و مسیحیان به دین اسلام و یا تظاهر به مسلمانی وارد تفکر جامعه اسلامی شده است (محمد قاسمی، ۱۳۸۳، ۱۳).

فهرست منابع

قرآن کریم

ابن فارس، احمد (۲۰۰۸)، *معجم مقاییس اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

احمد پناه، سید ابو تراب (۱۳۸۷)، «زیباشناسی نگاره‌های داستان حضرت آدم(ع)»، *دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی*، شماره (۸)، صص ۴۱-۵۲.

اکبری مفاخر، آرش (۱۳۸۵)، «اهریمن پرستی زروانی و نمونه‌های بازمانده از آن»، *مجله ادبیات و زبان‌ها: مطالعات ایرانی*، شماره (۱۶)، صص ۸۹-۱۱۲. *انجیل برنابا* (۱۳۷۹)، ترجمه: حیدر قلیخان قزلباش (سردار کابلی)، بی‌جا: نشر العمی.

بلان، جوزف (۱۳۸۴)، *پژوهشی در ناگزیری مرگ گیلگمش*، ترجمه: جلال ستاری، چاپ ۲، تهران: مرکز.

بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۶)، *آثار الباقیه*، ترجمه: اکبر دانا سرشت، چاپ ۵، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

پورنامداریان، تقی (۱۳۸۵)، *رمز داستان‌های رمزی در ادبیات فارسی: تحلیلی از داستان‌های عرفانی - فلسفی ابن‌سینا و سهروردی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

توراه با ترجمه فارسی (۱۳۶۴)، ترجمه: ماشالله رحمان پور داود و موسی زرگری، بی‌جا: انتشارات علمی. جلد ۱.

جواهری، فائزه (۱۳۹۲)، حکایت آدم(ع) و حوا از منظر نگارگری اسلامی با تأکید بر قصص الأنبیاء، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده هنر اسلامی،

شهریار در تاریخ افسانه‌های ایرانیان، ترجمه: ژاله آموزگار و احمد تفضیلی، چاپ ۲، تهران: نشر چشمه.

کمبل، جوزف. (۱۳۸۶)، قدرت اسطوره، ترجمه: عباس مخبر، چاپ ۳، تهران: نشر مرکز.

گریمال، پیر. (۱۳۸۱)، اسطوره‌های بابل و ایران باستان، ترجمه: ایرج علی‌آبادی، چاپ ۳، تهران: علمی و فرهنگی.

محمدقاسمی، حمید. (۱۳۸۳)، اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان‌های انبیا در تفاسیر قرآن، چاپ ۲، تهران: انتشارات سروش.

گورین، ویلفرد. ال ولبیر، ارل جی و مورگان، لی و ویلینگهام، جان. ار. (۱۳۷۰)، راهنمای رویکرد نقد ادبی، ترجمه زهرا میهن‌خواه، تهران: نشر اطلاعات.

مذا پور، کتایون و مینا سلیمی. (۱۳۹۰)، تحقیقات ایران‌شناسی: شیطان و اهریمن، نامه فرهنگستان، شماره (۳)، صص ۱۲۸-۱۴۶.

معمار زاده، محمد. (۱۳۸۹)، نمونه آثار نگارگری اسلامی از روایت آدم و حوا، کتاب ماه هنر، شماره (۱۴۲)، صص ۶۲-۶۷.

میبدی، ابوالفضل رشیدالدین. (۱۳۶۱)، کشف‌الاسرار و عده‌الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، به تصحیح علی‌اصغر حکمت، چاپ ۳، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد ۱۰

یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.

Grabar, Oleg. (2009), Masterpieces of Islamic art the decorated page from the 8th to the 17th century, Munich, Berlin, London & New York: Prestel

Hinnell, John.R. (1973), Persian Mythology, London: Peter Nedrick Books

Jeffery. Arthur, (1938), The Foreign Vocabulary of Quran. Great Britain: oriental institute, Baroda

Loukonine, Vladimir & Anatoli Ivanov. (2010), Persian Miniatures, New York & USA: Parkston.

Sims, Eleanor. (2000), Peerless Images: Persian Painting and Its Sources, London & New HAVEN: YALE University.

دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

حسینی کازرونی، سید احمد و نعیمه توسلی (۱۳۹۰)، حلاج و شیطان (بررسی دیدگاه حلاج و پیروان او نسبت به شیطان در اشاعه این اندیشه)، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، شماره (۹)، صص ۷۷-۹۱.

راغب اصفهانی، حسین بین محمد بن فضل (۱۳۷۳)، کتاب‌المفردات فی غریب القرآن، ترجمه: سید غلامرضا خسروی حسینی، بی‌جا: انتشارات مرتضوی

دادور، ابوالقاسم و الهام منصور (۱۳۸۵)، درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، تهران: نشر دانشگاه الزهرا و کلهر.

دوبوکو، مونیک (۱۳۸۷)، رمزهای زنده جان، ترجمه: جلال ستاری چاپ ۳، تهران: نشر مرکز.

ذاکر هرفته. الهه (۱۳۹۲)، صورت و معنا در نگارگری حضرت آدم و حوا (ع)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

سنایی غزنوی، حکیم ابوالمجد بن آدم (۱۳۸۵)، دیوان/شعار، مقدمه، شرح زندگی و شیوه‌ی سخن‌سنایی به قلم/استاد بدیع‌الزمان فرزند زلفی، به اهتمام پرویز بابایی، تهران: نگاه.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۷)، ترجمه تفسیر مجمع‌البیان، ترجمه: علی کریمی، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، جلد ۲۳.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۶)، ترجمه تفسیر طبری، به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ ۲، تهران: انتشارات توس، جلد ۱ - ۲.

علامه طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، جلد ۹-۱۴

قنبری، بخشعلی (۱۳۸۷)، تقریری نو از شیطان در مثنوی، مجله نامه الهیات، شماره (۳)، صص ۲۲-۴۱.

کامرانیان، عباسعلی (۱۳۸۷)، عصیانگر، بررسی خلقت، کارها و انواع شیطان (۱)، قم: نشر مجنون.

کامرانیان، عباسعلی (۱۳۸۹)، جن؛ بررسی خلقت، زندگی و کارهای جنیان بر اساس آیات قرآن کریم، روایات ائمه اطهار (ع) و حکایات واقعی، قم: انتشارات نور قرآن و اهل بیت (ع).

کریستین سن، آرتور. (۱۳۸۳)، نمونه‌های نخستین انسان و نخستین

The Study of the Representation of the Devil in the Persian Paintings of the Story of Adam and Eve

Zohreh Tabatabaee¹, Roya Azizi²

¹Professor, Islamic Art Department, Handicraft Faculty, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

²Tutor, Islamic Art Department, Handicraft Faculty, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

(Received 27 May 2018, Accepted 25 Nov 2019)

The stories of holy Quran and their relevant paintings have been a work subject for the Iranian painters in several time periods of ancient art and artworks in Iran. In this regard, the story of Adam is kind of the historical stories that have been subjected for different eras of the Persian paintings. It also has to be mentioned that each time periods does have the specific different images for their representations of this story. This story is one of the types of stories that has been subjected in almost all religions in different forms and origins, even in non- Semitic religions, as a story of first human creation or Adam creation. The presence of different special images in this stories such as devil, snake, peacock, and angles is a key factor to think of the Adam story as a symbolic subjects in different arts especially historical paintings and could reveals the need of assessing them is seems to be essential. The Devil is kind of the creatures that have been used in different forms in different religions for years and has been known as an evil and harmful force against human spirit. In Islamic arts and its related texts, the images of Devil are showed in different representations such as old man, angle, demon and snake or in a company with an assisting animal such as snake and peacock. Therefore, this study is aimed to assess the different representations of Devil in Persian paintings and find their roots in historical texts and pictures and their relation to the Islamic texts, holy Quran, and other mysticism texts and references. In this regard, we have used the comparative historical-descriptive method to assess the different resources from the literature and also from the religion texts for their representations of

the Devil. The results of the study have shown that some of these representations are originated from old ancient texts and religions before the Islam era. Furthermore, it is revealed that some of them are originated from the mysticism texts and from some mystics' point of views to the Devil that have been showed in their oral stories or in their books and unofficial texts. In another part of the results of the study, it is revealed that the paintings of devils as snake or accompanying by another animal such as snake is also associated to the human creation mythic stories and correspondingly connection of the snake with evil in different cultures and believes. In another part of the study, findings were showed that the painting of devil as an old man could be rooted in the stories of the devils in mythic texts and histories and mystics' point of views to the Devil that is presented differently. But, about angles or the demon faces for the devil they can be by some means originated form the pint of views of devil which probably is based on some Islamic texts and also from the people believes that think the devil is the same to demon.

Keywords

Persian Painting, Devil, Adam, Eve.